

## رسالت اولیا و مربیان در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

بدون تردید مهمترین رسالت اولیا و مربیان تلاش در شکوفایی شخصیت کودکان و نوجوانان ناهمین بهداشت روانی و پیشگیری از انحرافات و آسیب‌پذیریهای احتمالی آنهاست. مسأله بررسی انحرافات یا آسیب‌های اجتماعی سالهاست که مورد توجه دانشمندان مختلف قرار گرفته است. متخصصان رشته‌های مختلف، بویژه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، کارشناسان تعلیم و تربیت و مددکاران اجتماعی هر یک سعی نموده‌اند از دریچه‌های خاص به این مسأله بنگرند.

بطور کلی زمانی از آسیب‌ها یا انحرافات اجتماعی سخن به میان می‌آید، که ارزشهای حاکم بر جامعه، پذیرای برخی رفتارهای موجود نمی‌باشد. انحرافات اجتماعی به دو صورت آگاهانه و غیر آگاهانه ظاهر می‌شود. انحرافات آگاهانه آن دسته از رفتارهای نامطلوب و ناشایسته‌ای است که از فرد یا گروهی با آگاهی و دانش قبلی مشاهده می‌شود که با نظام ارزشی جامعه مغایرت دارد. بدیهی است بعضی از رفتارهای نامطلوب که از برخی از نوجوانان و جوانان سر می‌زند می‌تواند بدون آگاهی و شناخت صحیح آنها از ارزشها و معیارهای اجتماعی باشد. به عبارت دیگر در این شرایط فرد متخلف یا آسیب پذیرفته به درستی نسبت به قبح یا گناه آلوده بودن رفتار خود اذعان ندارد. در هر حال باید توجه داشت فردی که دچار بعضی از انحرافات رفتاری می‌شود لزوماً در صدد نفی همه معیارها و ارزشهای حاکم بر جامعه نمی‌باشد، بلکه به نظر می‌رسد که او احياناً فقط بعضی از ارزشهای موجود در جامعه

مباحث مطروحه در محافل علمی، در مورد بررسی مسأله آسیبهای اجتماعی احیاناً "بیشترین توجه معطوف مسائل اجتماعی، اقتصادی، نظام حقوقی و قضایی جامعه می شود، اما به نظر ما مهمترین مسأله در این ارتباط همانا موضوع تربیت و ساخته شدن انسان است. چگونگی تکوین شخصیت مطلوب کودک و اعمال برنامه ها و روشهای تربیتی مؤثر بطور قطع مقاومت انسان را، علی رغم وجود فشارهای اجتماعی و فقر اقتصادی، در برابر تمامی عوامل و محرکات اجتماعی و آسیبهای احتمالی مضاعف می نماید. بی شک فقر می تواند بر سلامت عمومی بهداشت روانی، تبار اقتصادی - اجتماعی و چگونگی پیشرفت تحصیلی فرد اثرات قابل توجهی را به جای بگذارد، اما لزوماً خود علت اصلی انحرافات اجتماعی نمی تواند باشد، زیرا



فقر امری است نسبی و در نزد جوامع مختلف تعاریف، معانی و مفاهیم متفاوتی دارد. بویژه آن که بخواهیم در جامعه ای از فقر به عنوان علت اصلی انحرافات اجتماعی سخن به میان آوریم که بر والاترین ارزشهای انسانی و مکارم تربیتی استوار بوده، خیل کثیری از محرومان مقاوم و بیوند ۱۷

را مورد تردید قرار داده و یا آنها را عملاً "نفی کرده است.

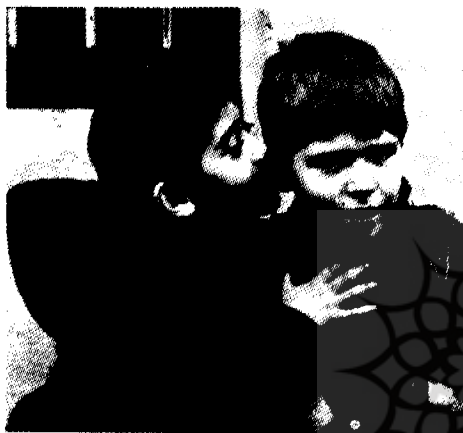
بدون تردید در بررسی علل آسیبهای اجتماعی، کارشناسان و دست اندرکاران پژوهشهای اجتماعی بارزترین و مهمترین علت را در حیطه خانواده و قلمرو تعلیم و تربیت دانسته و مسائل انگیزشی و پرورشی را به عنوان عمده ترین اصل تعیین کننده ذکر نموده اند.

امروزه در مطالعات مربوط به کژرفتاریها و آسیبهای اجتماعی از قبیل دزدی، بزهکاری مدرسه گریزی، اعتیاد به دخانیات و مواد مخدر انحرافات جنسی، ولگردی و خانه بدوشی، ضمن توجه به زمینه های زیستی، روان شناختی و اجتماعی انحرافات، بیشترین بهانه مسأله چگونگی فرایند تکوین شخصیت و نظام پرورشی و آموزشی خانه و مدرسه داده می شود. بخصوص این که در سالهای اخیر بسیاری از روان شناسان برای ساختار شخصیت و سازگاری اجتماعی و آستانه مقاومت افراد در برابر محرکات مختلف اجتماعی و آسیب پذیریها، اهمیت فوق العاده ای قائل هستند. قدر مسلم این است که در این راستا خانواده به عنوان یک واحد تربیتی و اجتماعی با نظام ارزشی پایدار، در حسن نءمین نیازهای زیستی، روانی کودکان و شکل دادن به شخصیت آنها نقش اساسی دارد، چرا که خمیرمایه شخصیت فرد در محیط خانواده شکل می گیرد.

بی تردید، تربیت اساس کار است، هدف اصلی آن آماده کردن کودکان برای احراز مسؤولیتهای فردی و اجتماعی است و مقدمات و تمهیدات این مهم از درون خانه و توسط والدین، اولین الگوها و سرمشقهای کودک شروع می شود. علی رغم این که همواره در غالب

دادن شناخت و آگاهی به دانش آموزان نسبت به آسیبهای اجتماعی و بررسی علل و پوی آموذهای ناگوار آن، آشنا نمودن خانوادهها نسبت به ویژگیهای افراد آسیب پذیرفته و طرق پیش گیری از بزهکاریها و انحرافات اجتماعی از وظایف مهم معلمان و مربیان مدارس است.

همان طوری که اشاره شد غالباً " وقتی مدارس اقدام به این مهم می کنند که پایههای اولیه ساختمان شخصیت نو آموزان در خانواده شکل



گرفته و آنها بخش قابل توجهی از اوقات خود را در کنار خانواده و همراه با الگوهای نخستین خود بسر می برند. بنابراین مدرسه بدون جلب همکاری و مشارکت والدین در این مهم توفیق چندان چشمگیری نمی تواند داشته باشد. این یک پنداشت طبیعی است که همه والدین انتظار دارند که کودکان آنها با رفتن به مدرسه، در آینده افرادی فعال، خلاق، شایسته و مسؤولیت پذیر شوند، اما این وقتی مقدور است که خود دوشادوش مربیان مدارس پیش بروند.

امروزه شاهد آن هستیم که با پیشرفت تکنولوژی و فراگیر شدن صنایع نوین، لجام گسیختگیهای فرهنگی نیز هر روز به اشکال مختلف

ایثارگران مجاهد را در دل خود دارد. بله، شاید در جوامعی که بنیاد آنها بر فراه مادی و لحام گسیختگیهای فرهنگی استوار بوده، ارزشهای " اخلاقی " و " معاداندیشی " در آنجا معنایی ندارد، فقر به تنهایی علت یا عامل اصلی دزدی فحشاء و اعتیاد محسوب شده، توحیهی برای بسیاری از انحرافات رفتاری باشد، اما هرگز در یک جامعه اسلامی، جامعهای که در آن انسانها باید متصف به صفات الهی و پایبند ارزشهای والای قرآنی باشند و ایمان، ایثار و شهادت از ارزشهای حاکم باشد، فقر نمی تواند، عامل تعیین کننده و عذری برای انحرافات اجتماعی محسوب شود، هر چند که فقر و بیکاری ممکن است زمینه ساز بعضی آسیبهای اجتماعی و فرهنگی باشد.

بنابراین در جامعه اسلامی بایسته است ریشه اصلی انحرافات و آسیبهای اجتماعی را در چگونگی نظام تربیتی و آموزشی و ساختار شخصیتی افراد و میزان خویشتن داریها جستجو نمود.

بی شک برنامههای آموزشی مؤثر و کاربردی نه تنها مقاومتهای شخصی دانش آموزان را در برابر آسیبهای اجتماعی بیشتر می نماید، بلکه با افزایش دانش عمومی و توانمندیهای شغلی و حرفه ای زمینه اشتغال مفید، بیشتر فراهم می گردد.

در کنار خانواده، مدارس اساسی ترین نقش را در انتقال ارزشهای حاکم بر جامعه، به کودکان و نوجوانان برعهده دارند. مسؤولیت ایجاد یک نگرش مثبت و سازنده در دانش آموزان نسبت به ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و پایبند نمودن آنها به قیودات اخلاقی و رفتارهای مطلوب و پسندیده برعهده اولیای آموزش و پرورش کشور است.

از دیگران است مبذول داشته، "رفتار" آنها را بگونه‌ای که مقدور و میسر است در مدرسه و خارج از مدرسه مورد مشاهده، مطالعه و بررسی قرار دهند. تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که بسیاری از کودکان و نوجوانانی که با مشکلات عاطفی مواجه هستند، آنانی که متعلق به

**خانواده به عنوان يك واحد تربیتی و اجتماعی، بانظام ارزشی پایدار، در حسن تا مین نیازهای زیستی، روانی کودکان و شکل دادن به شخصیت آنها نقش اساسی دارد.**

خانواده‌های پریشان و از هم گسسته‌ای می‌باشند آنهایی که از مدرسه گریزانند، آنانی که غیبت‌های مکرر دارند، آنانی که بدون آنکه دچار عقب ماندگی ذهنی باشند، در پیشرفت تحصیلی باناکامی مواجه هستند، آنهایی که از توان هوشی لازم در مدارس عادی برخوردار نیستند و آنهایی که به عادات نامطلوبی همچون کشیدن سیگار و غیره مبتلا هستند، بطور قابل توجهی بیش از سایر همسالان خود در معرض خطر جدی آسیبهای اجتماعی قرار دارند. به دیگر سخن، رسالت خانواده‌ها و مدارس در این رهگذر بسیار خطیر و سترگ است. برای ساختن جامعه فردا، جامعه‌ای که باید برای همه جهان الگو باشد لازم است تمامی هم کارگزاران جامعه بویژه اولیاء و مربیان مصروف سلامت شخصیت و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان میهن اسلامی مان شود.

فزونی می‌یابد و دیگر مدارس و نظام آموزشی رسمی به تنهایی نمی‌تواند توفیق چندانی در از قوه به فعل رسانیدن استعدادها و شکوفایی خلاقیتها و پرورش سجایای اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشد. در این راستانه تنها همکاری همه خانواده‌ها امری است ضروری، بلکه می‌بایست برای حفظ استقلال علمی و پیشرفت فنی و صنعتی و رشد و تعالی شخصیت انسانی دانش‌آموزان و اعتلای فرهنگ غنی اسلامی و پیش‌گیری از آسیب پذیریه‌ها، از همه امکانات آموزشی و فرهنگی بالفعل و بالقوه نهادهای جامعه بهره‌مند شد. لازم است نظام آموزشی کشور با قدرت و قوت هر چه بیشتر و حمایت همه خانواده‌ها و کارگزاران جامعه اسلامی بارفع کمبودها و نواقص، بخصوص در زمینه کمبود معلمان مجرب و کارشناسان متخصص و مشاوران روانی و تربیتی متعهد و رافع نارساییها و کمبودها، با تدارک امکانات بیشتر همه هم‌و توان خویش را در پیش‌گیری از آسیب‌پذیریهای اجتماعی و اعتلای شخصیت کودکان و نوجوانان مصروف نماید.

به یقین این امر با کاستیهای مشهود کمبودهای مورد اشاره، شلوغ بودن کلاسها و مدارس و عدم مشارکت فعال خانواده‌ها و نهادهای دیگر جامعه مقدور نخواهد بود. مربیان و مشاوران مدارس باید بتوانند با هوشمندی و بصیرت و با بهره‌گیری از مهارت‌های لازم توجه بیشتری نسبت به آن دسته از کودکان و نوجوانانی که احتمال آسیب‌پذیری آنها بیش

